

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی نقش زنان عشایر در توسعه پایدار و ارتقاء منزلت

انسانی آنان ، پیشنهاد و راهکارهای مناسب مطالعاتی در

استان چهارمحال و بختیاری

تحقیق و پژوهش:

مهندس طهمورث فتاحی شهماروندی

بسمه تعالی

مقدمه:

در این نوشتار به بررسی نقش زنان عشایر در توسعه پایدار و ارتقاء منزلت انسانی آنان و ارائه

پیشنهاد و راهکارهای مناسب پرداخته و تلاش می شود به صورت مختصر دورنمایی از ویژگی

های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی زنان عشایر استان، جایگاه اقتصادی و تولیدی و مشکلات و

معضلات و محرومیت ها و فقرهای انسانی آنان مورد بررسی قرار دهد.

بررسی شاخص های (جمعیتی، سواد، جنسی، گروههای عمومی سنی، مشارکت زنان، موانع

مشارکت آنان) و شاخصهای اقتصادی چون (میزان عمومی فعالیت بر حسب گروههای سنی و

جنسی، سهم آنان در تولیدات) و اشتغال و تاثیر گذاری آنان در خانواده، از جمله ویژگی هایی

است که مورد بررسی و در نهایت منتج به ارائه پیشنهادات پژوهشی و مطالعاتی برای توسعه پایدار

و ارتقاء منزلت زنان عشایر بختیاری استان گردیده است.

ویژگیهای جمعیتی عشایر استان چهارمحال و بختیاری:

جمعیت استان چهارمحال و بختیاری بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۷ مرکب از ایل بختیاری و ۳ ایل مستقل و ۴ باب ۳۶۳ تیره با جمعیتی معادل ۱۳۲۳۳۱ نفر (۶۹۲۶۲ نفر مرد و ۶۳۰۶۹ نفر زن) در قلمرو استان چهارمحال و بختیاری و زیست بوم های دینارانی باب، دورکی باب، بابادی باب، و بهداروند باب و سه دهستانی و در شهرستانهای شش گانه کوهرنگ - اردل - لردگان - فارسان - بروجن و شهرکرد استقرار دارند.

ابعاد خانوار:

بعد خانوار در ایل بختیاری در حدود ۶/۷۷ می باشد که در مقایسه با خانوارهای روستایی و شهری افزایش و فاصله زیادی را نشان می دهد . دلیل این فاصله افزایش وجود خانواده های گسترده و ضرورت های زندگی عشایری و نبود امکانات بهداشتی کنترل جمعیت و در مجموع استوار بودن خانوارهای عشایری بر نیروی انسانی است.

نسبت جنسی:

نسبت جنسی در بین عشایر استان عدد ۱۱۰ می باشد و نشانگر آن است که در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن ۱۱۰ نفر مرد وجود دارد. این نسبت در مقایسه با نسبت جمعیت عشایری کشور عدد ۱۰۸ می باشد. که از نسبت بالاتری برخوردار است.

نسبت سنی:

بررسی ساختار انسانی جمعیت زنان عشایر استان چهارمحال و بختیاری به تفکیک گروه‌های سنی نشان می‌دهد ساختمان جمعیتی این جامعه جوان است. زیرا بیش از ۴۵/۴۲ درصد جمعیت زنان عشای در گروه‌های سنی کمتر از ۱۵ سال و در گروه‌های میان سال و ۳/۶۰ درصد در گروه بزرگسالان قرار دارند.

سواد زنان عشایری استان:

فعالیت‌های آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی طی دهه‌های بعد از انقلاب اثر قابل توجهی در امر سوادآموزی جمعیت زنان عشایری منطقه بختیاری داشته است. در حال حاضر ۵۱/۸۲ درصد از جمعیت عشایر لازم‌التعلیم از نعمت سواد بهره‌مند هستند. به عبارتی دیگر میزان بی‌سوادی در عشایر بختیاری ۴۹/۱۸ درصد می‌باشد. که این موضوع در خصوص زنان لازم‌التعلیم بیشتر از آمار مذکور می‌باشد.

تاثیر مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی - اقتصادی و خانوادگی:

اثر گذاری مشارکت و مدیریت و همراهی در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی از دو منظر قابل بررسی می‌باشد:

۱- اثر گذاری اشتغال و فعالیت زنان در وضع اجتماعی و اقتصادی:

در بخشهای اقتصادی می توان گفت نه تنها شاغل بودن زنان در درآمد خانواده موثر واقع شده بلکه نسبت مهمی از درآمد کلان (ملی) را نیز آنان تأمین می نمایند. به طور مثال اگر بخواهیم ارزش اقتصادی تولیدات زنان عشایر در صنایع دستی را به حساب آوریم متوجه می شویم. ارزش مهمی از درآمد خانوارها مربوط به فعالیت زنان عشایری می باشد.

۲- اثر گذاری اشتغال زنان عشایر در وضع خانوادگی:

اشتغال و فعالیتهای زنان عشایری که بیشتر به عنوان (جانشین درآمد) شناخته می شود بسیاری از خانوارها را قادر می سازد که از طریق نیازمندیهای خود در قالب اقتصاد معیشتی تعادلی را به وجود آورند و بدین ترتیب خود را از شرایط مطلق دور سازند. کار زنان عشایری در چنین شرایطی از تداوم و استقلال برخوردار نیست و بیشتر جنبه تابعیت از اشتغال همسر و فرزندان و کمک به خانواده دارد.

زمینه های مشارکت و اشتغال زنان عشایر اسلک چهارمحال و بختیاری:

الف) فعالیتهای تولیدی:

عمده فعالیتهای تولیدی زنان عشایر استان در بخش های کشاورزی - دامداری - صنایع دستی و خدمات جنبی آن متجلی می شود.

عمده این فعالیتها عبارتند از:

۱- شیر دوشی:

شیر دوشی در ایلات و طوایف عشایری استان به طور مطلق کار زنان و دختران است. گرچه در انجام شیر دوشی مردان نیز به زنان یاری می‌رسانند. ولی کمک آنان بیشتر در جهت هدایت گله به محل شیر دوشی است.

۲- تهیه و فرآورده های لبنی:

این فعالیتها پس از شیر دوشی و تبدیل به ماست آغاز می‌شود. (مشک زنی - تهیه کره - روغن - کشک - قارا و سایر فعالیتهای لبنی) از فعالیتهای زنان است.

۳- زراعت و باغداری:

این دسته از عشایر عمدتاً اسکان یافته هستند که در کنار دامداری به امور زراعت و باغداری نیز مشغول هستند. کمک در امر جمع آوری محصول زراعی و باغی نیز از جمله فعالیتهای زنان عشایری به حساب می‌آید.

۴- تولید مواد اولیه بافندگی:

تهیه نخ پشم (خمه) برای صنایع بافندگی خانوار و تهیه نخ مویی برای بافت چادر از فعالیتهای زنان عشایر در این تولیدات است.

۵- تولیدات صنایع دستی:

در این نوع تولیدات زنان عشایر به بافتن انواع قالی و قالیچه گلیم و جاجیم خورجین جوراب و ... اقدام می کنند.

ب) فعالیتهای غیر تولیدی:

فعالیت های غیر تولیدی زنان عشایر استان شامل فعالیتهایی است که منظور از آن ارائه محصول بیشتر برای فروش نیست.

این کارها عمدتاً جزء وظایف خانه داری زنان عشایر بشمار می رود.

عمده این فعالیتها عبارتند از:

۱. پختن نان و تهیه خوراک

۲. حمل و نقل آب از منبع تولید تا محل مصرف

۳. نگهداری و مراقبت از کودکان و فرزندان خانوار

۴. سایر امور خانه داری از جمله شستشو رفت و روب گسترده و جمع کردن رختخواب دوخت و دوز و ...

۵. انواع صنایع دستی در جامعه عشایری استان که توسط زنان عشایر تولید می گردد.

بررسی چگونگی فعالیت زنان عشایر در اقتصاد جامعه عشایری استان:

پژوهشها و تجربیات انجام شده در زمینه فعالیت های زنان عشایری نشان می دهد که فعالیت روزانه زنان عشایر در سه قلمرو استقرار عشایری در (ییلاق - قشلاق - میان بند) انجام می شود.

جدول زیر فعالیتهای روزانه زنان عشایری را نشان می دهد . مشخص شده که فعالیت روزانه زنان در منطقه یا مناطق عشایری ییلاقی بیشتر از سایر مناطق است . زنان دوشادوش مردان و حتی بیشتر از آنان کار می کنند . زنان عشایر از زمانی که در منطقه ییلاقی مستقر می شوند، اوایل اردیبهشت تا اواخر تابستان طی ساعات روزانه فعالیتهای بیشتر انجام می دهند . ساعات کار و فعالیت زنان در منطقه ییلاقی بطور متوسط ۱۴ ساعت است . این فعالیتهای شامل : چرانیدن دام - حفاظت از سیاه چادر - شیر دوشی - تولید فرآورده های دامی و لبنی و از همه مهمتر تولید صنایع دستی می باشد .

فعالیت زنان در منطقه قشلاق بطور متوسط ۹/۵ ساعت و در منطقه میانبند به ۸ ساعت تقلیل می یابد . دلیل کاهش فعالیت روزانه زنان عشایر در منطقه قشلاق و میانبند نادر بودن و یا نبود فعالیتهای صنایع دستی، تولید مواد لبنی، چرانیدن دام و برخی فعالیتهای دیگر می باشد.

جدول برنامه ساعات فعالیت روزانه زنان عشایر به تفکیک نوع فعالیت در مناطق مختلف:

نوع فعالیت زنان		حجم فعالیت به ساعت			زمان انجام فعالیت روزانه	
ییلاق	قشلاق	میانبند	ییلاق	قشلاق	میانبند	
۱/۵	۱	۱	صبح و عصر	بعد از ظهر	عصر	
۳	۲	-	صبح و عصر	بعد از ظهر	-	

محافظة چادر	۴	-	-	صبح و عصر	-	-
توليد مواد لني	۰/۵	۰/۵	-	صبح و عصر	صبح و عصر	-
توليد صنايع دستی	۲	۳	-	صبح و عصر	صبح و عصر	-
رسيدگی به امور فرزندان	۱	-	۲	صبح و عصر	صبح و عصر	صبح و عصر
نظافت چادر و تداركات	۲	۳	۵	صبح و عصر	صبح و عصر	صبح و عصر
جمع فعاليتها	۱۴	۹/۵	۸	-	-	-

موانع و مشکلات زنان عشایری در فعالیتهای تولیدی و غیره:

نقش و حضور زنان عشایری در طول تاریخ در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی جامعه بر کسی پوشیده نیست. اما همیشه در طول دورانهای مختلف این نقش و حضور حالتی کم رنگ داشته و در برابر بسیاری از این فعالیتهای همیشه یک سری موانع و تنگنمایی وجود داشته است . برای پاسخگویی به اینکه ریشه و علل این فراز و نشیبها در وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در جامعه حال و گذشته ما چه بوده است و چه عوامل و فاکتورهایی در این عدم حضور و مشارکت نقش عمده و اساسی داشته اند دلایل متعددی وجود دارد . برای سهولت درک و بیان این موانع و تنگناها ابتدا آنها را طبقه بندی نموده و سپس به ذکر دلایل و علل مربوطه اشاره می شود.

بطور کلی این دلایل و عواملی را می توان بشرح ذیل طبقه بندی و تقسیم نمود:

۱. موانع اقتصادی حضور و مشارکت زنان

۲. موانع اجتماعی حضور و مشارکت زنان

۳. موانع سیاسی حضور و مشارکت زنان

۴. موانع فرهنگی حضور و مشارکت زنان

۵. موانع حقوقی - قانونی حضور و مشارکت زنان

۶. موانع بیولوژیکی حضور و مشارکت زنان

تقسیم کار مردان و زنان عشایر استان:

تقسیم کار در بین خانوارها کوچ نشین بر اساس جنس و سن استقرار است . عبارتی دیگر بعضی از کارها بعهده مردان و پسران و بعضی دیگر بعهده زنان و دختران واگذار شده است . بنابراین بعضی از کارها بطور مشترک بوسیله هر دو جنس انجام می گیرد . لذا تقسیم کار در بین عشایر به قرار زیر است:

الف: کارهای زنانه:

به طور کلی کارهایی که مختص زنان است عبارت است از:

۱- بچه داری: مواظبت از بچه (شستشو، تغذیه، تعویض لباس بعهده زنان است).

۲- پخت و پز و تهیه خمیر و پخت نان و انواع غذاها از وظایف زنان بشمار می رود . ذبح گوسفند و تهیه کباب بعهده مردان است.

۳- نظافت خانه: جارو کردن و تمیز نگه داشتن داخل سیاه چادر مرتب کردن رختخواب ها و

ظرفشویی

۴- ریسندگی و بافندگی بطور مطلق کار زنان است.

۵- تهیه انواع مشک (برای حمل آب- دوغ- روغن- کیسه پوستی) برای نگهداشتن غلات این

وسایل از پوست گوسفند و گوساله دباغی درست می شود.

۶- تهیه فرآورده های لبنیاتی چون ماست، روغن، پنیر و کشک

۷- دوخت و دوز و وصله کردن لباسها

۸- فواهم کردن آب و هیزم

۹- گردآوری بعضی از سبزیهای خوردنی در فصل بهار و تهیه ترشی و غیره...

ب: کارهای مردانه:

چوپانی:

مواظبت از گوسفندان و سایر دامها در مراتع بعهدہ نوجوانان و مردان است با این حال گاهی

اوقات بطور موقت به دختران واگذار می شود.

زراعت:

در اصل زراعت کار مردان است اما در جمع آوری محصول و خرمن کوبی زنان مشارکت بیشتری دارند.

۱- کارگری:

کارگری مختص مردان است و زنان به هیچ وجه اجازه ندارند به کارگری آن هم در خارج از خانه پردازند

۲- فعالیتهای سیاسی:

فقط مردان به طور مستقیم در امور سیاسی دخالت دارند همچنانکه در گردهمایی سیاسی به زنان اجازه مشارکت داده نمی شود ناگفته نماند که زنان بطور غیر مستقیم در امور سیاسی مداخله می کنند.

۳- داد و ستد معاملات:

بعهد مردان است. اما در عین حال زنان نیز به خرید و فروش کالاهای ارزان قیمت می پردازند.

۴- کشیک شبانه محافظت از خانه ها و دامها:

دفاع از دام ها در مقابل حیوانات درنده و همچنین مواظبت از خانه و دام در مقابل دزدان از وظایف مردان بشمار می رود. در ایامی که مردان در خانه نیستند این وظیفه بعهد زنان می باشد.

ج: کارهای مشترک بین زنان و مردان:

۱- شیردوشی:

با اینکه از فعالیتهای زنان می باشد با این حال مردان با ننگه داشتن دامها آنان را یاری می کنند.

۲- پشم چینی: این کارها بعهد مردان است ولی زنان عشایر آنان را کمک می کنند.

۳- باربندی و بارگیری: هرچند بارهای سنگین را مردان بر دوش حیوانات بارکش می گذارند با

این حال زنان و مردان عشایری در جمع آوری، بارکردن و پایین آوردن بارها با هم همکاری می کنند.

۴- زراعت:

همانطوریکه بیان شد زراعت کار مردان است و بخصوص شخم زدن و بذر پاشی اما زنان در جمع آوری بخصوص در بافه کشی (حمل دسته های گندم) به خرمنها و خرد کردن و جدا کردن دانه ها از گندم همکاری می کنند.

با توجه به مطالب گفته شده در می یابیم که فعالیت زنان بیشتر در داخل و یا حوالی چادر است صورت می گیرد. و حال آنکه قسمت اعظم فعالیتهای مردان و زنان در خارج از سیاه چادر است. اما بدین معنی نیست که فعالیتهای مردان بطور کامل از هم جدا هستند. بلکه بطوری که اشاره شد در بسیاری از امور آنها دوش به دوش هم در فعالیتهای خانواده شرکت دارند.

د: تقسیم کار بر اساس سن و جنس:

برخی از کارها و فعالیتهای مختص زنان به طور خلاصه به ترتیب زیر قابل طبقه بندی می باشد:

۱- کارهای روزانه:

- پختن نان بطور غالب دو بار در روز شام و عصر مردان و زنان

- حمل آب از منبع تا چادر یا خانه

- آوردن هیزم از صحرا

- تهیه چای- نهار- شام

- مواظبت از بره ها و بزغاله ها

۲- کارهای دستی:

❖ دوشیدن شیر گوسفند و بز دوبار در روز

❖ درست کردن مشک آب، مشک دوغ، پوست روغن (خيگ)

❖ تهیه ماست- دوغ- کره- روغن- پنیر

❖ بافتن سیاه چادر- گلیم- قالیچه- خورجین- طناب- و غیره

۳- کارهای دیگر:

- بچه داری

- دوختن لباسهای بچه ها و خانواده و...

- کوبیدن و چال زدن (بردار) آسیاب دستی غلات زنان عشایر و آرد کردن حبوبات

(و) تقسیم کار بر اساس سن:

آنچه که می توان گفت کلیه فرزندان عشایر از سنین طفولیت هم پسر و هم دختر از ۴ الی ۵ سالگی بنحوی در انجام کار فعالیتای روزانه خانواده مشارکت می کنند. در موقع دوشیدن شیر بچه ها گوسفندان- بره ها و بزغاله ها را می گیرند که بیش از اندازه شیر نخورند. نگهداری و چرای گله های بره و بزغاله بعهدہ پسران و دختران ۶ الی ۸ ساله می باشد و دختران عشایر در ۸ سالگی با مشکهای کوچک در آوردن آب به مادران کمک می کنند. گله های گوسفند را به طور غالب پسرهای ۱۰ ساله به بالا برای چرای برند و در مجموع با ید گفت که در سنین پایین تفاوتی در نوع کار بین پسر و دختر وجود ندارد.

زنان پایه گذار و قوام دهنده تعاونیهای سنتی:

برخی از فعالیتهای جمعی عشایر فعالیتهایی هستند که معمولا زنان عشایر پایه گذار آنان هستند و به آنها استمرار می دهند. کارهایی چون شیرواره- گله به گله- گله به دون زدن- همیاری در کوچ- پیش بار- بار کردن- بارنو چیدن- موی بز- رسیدن و آماده کردن نخ از موی بز- و بافتن لتها و... اشاره کرد. باید گفت که در تمام انواع این تعاونیهای سنتی و تاریخی بیشترین نقش را زنان عشایر بعهدہ دارند.

مقایسه میزان مشارکت زنان عشایر در فعالیتهای اقتصادی با جوامع روستایی و شهری:

باتوجه به وضعیت استقرار عشایر در نقاط مختلف استان در فصل ییلاقی و قشلاقی زنان عشایر نسبت به زنان روستایی و شهری مشارکت بیشتری در فعالیت های روز مره زندگی و معیشتی خانوار دارند. با توجه به اینکه اثر گذاری زنان عشایر در فعالیت اقتصادی بیشتر است اما نسبت به زنان روستایی و شهری از امکانات کمتری بهره مند است . این موضوع اگر با توجه به تولید ناخالص ملی بررسی شود آنگاه دیده خواهد شد که زنان عشایر نقش مهمی در اقتصاد و در آمد ناخالص ملی دارند و به همین میزان از امکانات و در آمد کمتری برخوردارند.

مشکلات و تنگناهای اساسی زنان عشایر استان:

بررسی نظام سنتی یا به عبارتی دیگر شاخصهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی که در حال حاضر در جامعه عشایری استان حاکم است تا حد نسبتاً زیادی مشکلات و نارساییها و تنگناهای زنان عشایر را مشخص می سازد.

اهم این مشکلات به شرح ذیل می باشد:

۱- بهداشت و درمان:

در جامعه پراکنده عشایر بویژه برای زنان عشایر، دسترسی و برخورداری از شاخصها و امکانات بهداشت و درمان استفاده از این حداقل را نیز برای زنان عشایر بختیاری محدودتر ساخته است.

۲- آموزش و پرورش:

امکالات آموزشی در جامعه عشایری به ویژه در سطوح بالاتر از ابتدایی خلاصه برای زنان عشایری با محدودیتهای فراوانی روبرو است این موضوع علاوه بر تاثیرات فرهنگی، اشتغال آنان و وضعیت زندگی و آینده آنان را تحت تاثیر قرار می دهد.

۳- اشتغال:

همانگونه که در بررسی میزان اشتغال و تاثیر گذاری فعالیت زنان در اقتصاد خانوار و فعالیتهای تولیدی اشاره شد به عنوان مثال میزان اشتغال زنان در دوره ییلاقی بطور متوسط ۱۴ ساعت کار در شبانه روز می باشد. این نشانگر این است این میزان کار کرد نسبت به چند برابر تورم جهانی است و با این حال بدلیل فقدان آموزش و مهارت های فنی و حرفه ای میزان اشتغال بالا ولی بهره وری آن خیلی پایین است.

۴- جمعیت زنان:

چون سالهای اخیر و به واسطه تحولات گسترده ای که در جامعه عشایری که روی داده است و روند آن با سرعت ادامه دارد ساختار جمعیت زنان عشایر را نا متعادل نموده است. مهاجرت مردان و جوانان به شهر ها و ازدواج های برون ایلی سن ازدواج دختران شوهر نکرده را بالا برده است . باتوجه به فرهنگ جامعه عشایری این مسئله به عنوان یک مشکل اجتماعی در آینده نزدیک خود را نمایان خواهد کرد . اگر تا کنون بشدت بروز نکرده نسبت مردان به زنان در

ایل بختیاری نسبت ۱۱۰ می باشد لیکن در آینده ای نه چندان دور به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح خواهد شد. میزان مرگ و میر در بین کودکان و افراد سالخورده هنوز در حد بالایی قرار دارد حتی نسبت مرگ و میر زنان به مردان از شدت بیشتری برخوردار می باشند.

۵- باروری:

میزان باروری در بین زنان عشایر بختیاری بیشتر از زنان جوامع روستایی و شهری است. این مسئله علاوه بر نامتعادل کردن روند رشد توسعه و ساماندهی به زندگی عشایر و تاثیر گذاری بر زندگی اقتصادی خانواده موجب افزایش مسائل متعدد از جمله سوء تغذیه - مسائل و فقر بهداشتی و امکانات زندگی و عدم پویایی زندگی و بالا رفتن نرخ مرگ و میر در بین زنان و کودکان و زمینه مشارکت زنان عشایر را در زندگی روز مژه کاهش می دهد. راه حل این مسئله آموزش و بالابردن آگاهی و تسهیل امکانات بهداشتی را می طلبد.

۶- ازدواج:

گرچه زودرسی ازدواج نسبت به گذشته کمتر شده ولی همچنان به عنوان یک مشکل اجتماعی در بین برخی از طایفه های عشایری خودنمایی می کند. ازدواج نسبی ازدواجهای غیر متعارف و

سنتی هنوز نیاز به تعدیل و اصلاح دارد. بالارفتن سن ازدواج در بین زنان عشایر پدیده نو ظهوری است که دختران و مادران زحمتکش عشایری را به شدت می آزارد.

نتیجه گیری:

در بررسی نقش زنان عشایر در توسعه پایدار و ارتقاء منزلت انسانی زنان پیشنهاد راهکارهای مناسب مطالعاتی پیشنهاداتی بشرح آتی برای برنامه ریزی مطرح می گردد.

۱- طاقت فرسا بودن زندگی عشایری و سختیهای آن در افتادن و مقابله آنها با ناملایمات طبیعی اقلیمی و اکولوژیکی (دغدغه های نظام دامداری سنتی و مجموعه فعالیت های مرتبط) به میزان قابل توجهی بر ساعات کار زنان و مردان عشایری می افزاید. تا آنجا که کار و فعالیت های شیوه بهره برداری و زندگی عشایری هیچ حد و مرزی در ساعات شبانه روز و ایام هفته و ماه های سال نمی شناسد. زندگی عشایری بواسطه ارتباط مستمر با طبیعت برخی از نیازهای روحی و روانی انسان را تامین می کند. اما فرسودگی جسمی که ناشی از ساعات طولانی کار در شبانه روز می باشد نیاز به استراحت و آسایش را به میزان بیشتری مورد تاکید قرار می دهد. در این میان شاید بتوان فشار وارده بر زنان را مضاعف دانست چرا که آنها علاوه بر حضوری فعال در سیاه چادر در زمینه هایی چون تبدیل فرآوری محصولات دامی نقش فعال دارند. ضمن آنکه به عنوان مدیران داخلی منزل مواردی مثل ازدیاد نسل، تربیت فرزندان، تهیه و تدارک و تولید مواد غذایی، رفت و روب منزل را نیز بعهده دارند. به عبارتی دیگر در تمام مدتی که مردان همراه با گله در چراگاهها حضور دارند زنان در کنار ایشان و غالباً در زمینه های اشاره شده حضور دارند. در شرایطی که اشتغال

روزانه مردان با بازگشت دام به اروگاه (وارگه) عصر پایان می یابد زنان عشایر تلاش مضاعف در زمینه های دیگر آغاز می کنند. و آن حضور در مجموعه های کارکردهای سطح منزل و یا تبدیل فرآوری محصولات لبنی و تا تهیه صنایع دستی عشایری می باشد.

شاید بتوان همه موارد بالا را مشمول تمام زنان عشایر وقتی عشایر اسکان یافته تلقی نمود اما در عین حال پاره ای عوامل را می بایست در نظر گرفت که کاهش ساعات کار و تلاش و به دنبال آن سختی ها و دردهای زندگی فیزیکی زنان عشایر را سبب شده و از جمله موارد قابل ذکر :

الف: بهبود شرایط زندگی به کمک دستگاهها و ادارات مرتبط دولتی

بدین مفهوم که در مناطق بیلاقی اجرای لوله کشی آب استفاده از انرژی های نو بخصوص فانوسهای خورشیدی و تامین سوخت های فسیلی و ... باعث خواهد شد تا زنان عشایری حد قابل توجهی از مشکلات سنگین گذشته رهایی یافته و به کارهای دیگر و یا استراحت پردازند.

ب: در برخی از خانواده ها به دلیل کثرت فرزندان بخصوص فرزندان دختر در خانواده به سبب امکان جایگزینی فعالیتهای مادر توسط تلاش دختر یا دختران خانواده در بسیاری از موارد بر ساعات فراغت زنان عشایری افزوده است. هر چند که این تقلیل تلاش فیزیکی موقتی بوده و با

ازدواج فرزندان که در قالب موارد خارج شده آنها از محیط عشایری را به دنبال داشته است مجدداً به یک سیر صعودی در عرصه های تلاش مبدل شده است.

ت: وجود روحیه تعاون و همکاری در زنان عشایر

این ویژگی که لاقول بصورت بالقوه در اکثریت قریب به اتفاق مناطق استقرار عشایری استان وجود دارد عاملی دیگر در جریان فرسایش فیزیکی زنان عشایری بوده است . این اتحاد انسجام ناشی از روحیه تعاون و همدلی و یکدلی در بین زنان عشایری وجود دارد . به عبارت دیگر کثرت مسائل و مشکلات مشابه بصورت تجربی این نکته را به ایشان القاء نموده است . که با مشارکت در فعالیتها و مدد رساندن به همدیگر در مواقع لزوم می توانند از نیروی کار خویش به نحو مطلوبتر استفاده کنند . ضمن آنکه با حضور در کنار هم و در قالب ارتباط گفتاری که معمولاً در چنین مواردی میان ایشان ایجاد می شود می توانند نیازهای روانی خود را نیز تا حدودی ارضاع نمایند . نمونه بارز آن اینگونه همکاری های جمعی زنان عشایر را در مواردی چون برچیدن چادر و باربندی به قصد کوچ و یا باراندازی و یا برپا کردن چادر هنگام رسیدن به مقصد در پشم چینی شیر دوشی و سایر فعالیتها میتوان مشاهده نمود.

۲- از جمله نتیجه گیری این بررسی چگونگی پرداختن به کار روزانه توسط زنان عشایری است به نحوی که در مناطق ییلاقی همانگونه که طی جدول ذکر شده در شبانه روز به مدت ۱۴ ساعت فعالیت می کنند این نسبت در مناطق قشلاقی به دلیل کمک بیشتر مردان در امور مختلف زندگی روزانه به ۹/۵ ساعت و در میانبندها به ۸ ساعت کاهش می یابد.

در اغلب خانواده های عشایری زنان بین ساعتهای ۴ تا ۵ صبح از خواب بیدار می شوند . در صورتی که مردان غالباً با یک یا دو ساعت دیر تر بیدار می شوند . علاوه بر آن زنان عشایری عمدتاً یک تا دو ساعت دیر تر از مردان خود دست از کار می کشند . و این نکته یعنی مدت زمانی که زنان صرف پرداختن به امور زندگی روزمره می نمایند قابل تعمق بوده چرا که صرف کردن زمان و ساعات بیشتر به فعالیت روزانه توسط زنان نشانگر حجم کاری افزونتر آنها از یک سو و استراحت کمتر آنه ا در مقایسه با مردان می باشد . که در دراز مدت موجب تقلیل قوای جسمانی ناتوانی و پیری زودرس در بین زنان عشایری می شود.

۳- در این بررسی مشخص گردید که اوقات فراغت زنان عشایر در مقایسه مردان محدودتر است . یعنی اوقات فراغت زنان در مقایسه با مردان به مراتب بیشتر می باشد. آنان با شرکت در دید و بازدیدها و مراسم عروسی و عزاداری بر وسعت فعالیتهای اجتماعی خود می افزایند . در خصوص مشکلات و تنگناهای اساسی برای زنان عشایر مشاهده گردید که عمدتاً این مشکلات به واسطه ازدواجهای درون گروهی سن زودرس ازدواج باروری بالا در بین زنان فقدان آموزش و بهداشت از جمله مشکلات جامعه زنان عشایری می باشد . همچنانکه قبلاً ذکر شد زنان عشایر نه تنها از نظر تعداد نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند بلکه از نظر کار و فعالیت حتی بیشتر از مردان در تکاپو و تلاش هستند.

۴- اگر بخشی از پایداری توسعه را در زندگی عشایر و مشارکت نیروی انسانی بدانیم و زنان را

نیمی از این نیرو محاسبه کنیم بدون توانمند سازی زنان عشایر عملاً توسعه پایداری در مناطق

عشایری و زندگی عشایر اتفاق نخواهد افتاد.

الگوی مشارکتی زنان عشایر کوچنده که متأسفانه کمتر به عنوان یک الگوی قابل تقلید با

بهره گیری مورد شناخت و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است احتمال زیاد با الگوهای پیشرفته

جهانی قابل قیاس و حتی از جهاتی کم نظیر است. این گفته مطلقاً نفی استفاده از تجارب ارزنده

جهانی نیست با این وصف متأسفانه باید اعتراف کرد که در برنامه ریزی های دولتهای بعد از

انقلاب اسلامی نیز به این پتانسیل و توانایی یعنی کار زنان و نحوه مشارکت آنها در برنامه ریزی

توسعه نپرداخته ایم. اگر هم توجه شده متأسفانه الگوهای نه چندان موفق زنان شهری و روستایی را

مد نظر داشته ایم. این نقص که در کل سیستم اداری ما جاری است ناشی از بروکراسی های مرد

سالار است.

بنابراین برای تعیین جایگاه زنان عشایر در توسعه پایدار اولویت این است که برنامه ریزان با

شناخت و آگاهی بیشتر به این جامعه و تحولات آن توجه کرده و ذهنیت شهری را مورد تجدید

نظر قرار دهند. وگرنه زنان زحمتکش عشایری هم توان و هم امکان مشارکت گسترده را در تمام

زمینه ها به ویژه فعالیتهای کنترل جمعیت بهداشت محیط زیست که به توسعه پایدار کمک

بیشتری می رساند را دارا هستند.

راهبردها و سیاست گذاری ها و توصیه ها برای ارتقاء منزلت و کرامت انسانی و پروژه های مطالعاتی در

خصوص زنان عشایر بختیاری:

۱- تامین آموزش:

گسترش انواع آموزش ها ، با اولویت آموزش رسمی برای دختران و زنان جوان به نحوی که دست کم ۹۵٪ دختران واجب التعلیم زیر پوشش آموزش رسمی قرار می گیرند . راهکارهای اصلی اجرای این پیشنهاد قرار دادن مدارس در دسترس خانواده های عشایر کوچنده توسعه مدارس شبانه روزی دختران بکارگیری آموزگاران زن از بین خود عشایر تدوین برنامه های آموزشی مختلف با زندگی کوچنده تکمیل و تقویت آموزش رسمی با آموزش های غیر رسمی دیگر.

۲- تامین مشارکت:

فراهم نمودن زمینه مشارکت واقعی زنان در امور متناسب با سن شرایط اجتماعی فرهنگی و تجارب دوران کوچندگی بدون ایجاد حساسیت و جبهه گیری در مردان راهکارهای اصلی اجرایی این پیشنهاد عبارت است حضور مستقیم و مستمر برنامه ریزان و کارگزاران زن در کنار زنان اسکان یافته عشایری تلقی نمودن زنان عشایر به عنوان جزئی از خانواده مشارکت دادن تدریجی آنان در تصمیم گیری ها و استمرار بخشیدن به برنامه های مربوطه جنبه های مثبت سنتها و تغییر تدریجی و توجیهی سنتهای منفی و مانع توسعه، اجتناب از هر امری که موجب نفاق بین

زن و مرد در خانواده شود . مشورت و همفکری گرفتن از زنان عالم و با تجربه در خانواده های عشایری.

۳- بسیج عمومی نظام اداری:

اغلب سازمانها و دستگاههای اجرایی و فرهنگی و مذهبی که در قبال زنان وظایف و تکالیفی دارند با اولویت به وظایف و تکالیف خود در جامعه عشایر کوچنده و تازه اسکان یافته عمل نمایند و امکانات خود را به معنی واقعی کلمه به مناطق عشایری سوق دهند.

راهکارهای اصلی این پیشنهاد عبارتند از:

الف: نظارت و کنترل و پیگیری ادارات محلی و بویژه نظارت استاندارد محترم و رئیس محترم سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان دستگاههای ذیربط مانند ارشاداسلامی حوزه علمیه سازمان تبلیغات اسلامی- کمیسیون امور بانوان- فرمانداران محترم اداره کل امور عشایر- آموزش و پرورش عشایری- جهاد کشاورزی- منابع طبیعی- سازمان بهزیستی- میراث فرهنگی- صنایع دستی- کمیته امداد امام(ره) و نهادهای حمایتی و بیمه ای با اخذ گزارش لازم از آنها به طوری که یکی از ملاک های ارزشیابی این دستگاهها نحوه عملکرد آنان در زمینه زنان عشایری استان باشد.

ب: سازمانهای ذیربط مذکور به خصوص اداره کل امور عشایر واحد متناسب با جامعه عشایری در سطح اداره کل و ادارات شهرستانی و اتحادیه عشایری بطور رسمی بوجود آورند. کارمندان و کارشناسان و عوامل اجرایی بایستی یا اصالتاً عشایر باشند یا جامعه عشایری را خوب بشناسند. که متأسفانه در سالهای گذشته بعلت عدم مجوز جذب نیرو فاقد واحد پیگیری امور بانوان می باشد.

۴- ارائه رهنمود:

تلاش کنونی برای دستیابی به یک نظم اقتصادی و اجتماعی در جوامع عشایری نمایانگر نگرشهای واقع بینانه مسئولین در جهت تقویت اراده ملی و تحقیق اهداف توسعه انسانی به ویژه در جوامع عشایری است. از این رو می باید بیش از پیش به یاری عشایر شتافت تا به توسعه ای پایدار در جامعه عشایری رسید و ضمن سازماندهی آنها زمینه مناسب را در جهت دسترسی به سرمایه های مولد و رشد و توسعه و افزایش درک و توان آنها جهت پاسخگویی به طرحهای توسعه و تشویق ابتکارات کلی را فراهم نمود.

در این راستا زنان عشایری بختیاری به عنوان قشری که با حفظ نقش و منزلت انسانی در جهت بهبود وضعیت دآمداری و دامپروری صادقانه تلاش می نمایند. باید به گونه ای شایسته از شاخصهای توسعه انسانی بهره مند شوند. در این خصوص با توجه به تحلیلی که از نتایج حاصله گذشت رهنمودها و پیشنهادات و راهبردهایی که می تواند برای آینده کارهای مطالعاتی به عنوان مبنا قرار گرفته و هر کدام از آنان می تواند ده ها پروژه مطالعاتی و اجرایی را به ارمغان آورند به شرح ذیل ارائه می گردد:

الف: بررسی و مطالعه پیرامون ویژگی های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فنی و حرفه ای زنان عشایری در سطح استان چهارمحال و بختیاری.

ب: بررسی و مطالعه و سنجش نیازهای آموزشی زنان عشایری پیرامون فعالیتهای تولیدی (نظیر صنایع دستی - مواد لبنی و غیره) و غیر تولیدی از قبیل (آموزش و تربیت صحیح فرزندان و تنظیم خانواده)

ت: بررسی و تحقیق در جهت شناخت روز افزون تر نقش و جایگاه زن عشایری در فرآیند توسعه پایدار و افزایش منزلت و کرامت انسانی آنان

د: شناخت دقیق پتانسیلهای بالقوه و بالفعل زنان عشایری در زمینه های تولیدی و غیر تولیدی

ر: اتحاد راهبردها و شیوه های مناسب جهت احیاء و تقویت ریشه های سنتی فرهنگ تعاون که در بطن فرهنگ جوامع عشایری به چشم می خورد.

ز: بررسی زمینه های سواد آموزی زنان عشایری با روش های کلاسیک و it

ط: ایجاد فرصت های پرورشی و تدارکات تسهیلات آموزشی برای زنان عشایری در زمینه های فرهنگی اقتصادی اجتماعی تولیدی مذهبی و سیاسی.

ف: بررسی مسائل و مطالعه بهره مندی زنان عشایر از خدمات مشاوره ای و دسترسی به اعتبارات بانکی و سایر امکانات فیزیکی مورد نیاز برای صنایع دستی و خانگی.

ی: بررسی و مطالعه نحوه برگزاری دوره های آموزشی ویژه کارشناسان و مروجین زن همایش های ارتقاء دانش و مهارت های لازم در جهت انتقال یافته ها و بهینه نمودن اطلاعات و ارتقاء کرامت انسانی زنان عشایر بختیاری.

شناسایی زنان هنرمند و نخبه جامعه عشایری و تجلیل از آنها.

منابع و مواخذ:

۱- سازمان برنامه و بودجه استان چهارمحال و بختیاری

- نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۷۷ مرکز آمار ایران استان

چهارمحال و بختیاری به شماره ۶-۲

۲- متین - نعمت الله مبانی نظری مشارکت و ضرورت های آن مجله جهاد شماره ۲۱۵-۲۱۴- ص ۴۴-۴۸

۱۳۷۷-

۳- نوریبخش سید حسن تحلیل اقتصادی زندگی عشایر در کوچروی و اسکان با استفاده از شاخصهای بهره

وری پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علم و صنعت ایران ۱۳۷۵

۴- سازمان امور عشایر ایران گزارش وضع موجود چالش ها و چشم اندازهای توسعه در جامعه شعایری در

برنامه چهارم در سال ۱۳۸۱

۵- نیک خلق علی اکبر نوری عسگری (زمینه جامعه شناسی عشایر ایران- تهران انتشارات چاپ پخش

(۱۳۷۷)

۶- بخشنده نصرت برنامه توسعه زندگی از دیدگاه فضایی سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر سال ۱۳۶۹

۷- امان الهی اسکندر کوچ نشینی در ایران پژوهشی در باره ایالت و عشایر تهران موسسه انتشارات آگاه

سال ۱۳۷۰

۸- صفی نژاد جواد لرهای ایران انتشارات آینه تهران ۱۳۸۱

۹- سعیدی عباس و همکاران نگاهی به الزامات ساماندهی روستاهای کوچک مطالعه موردی روستاهای

ناحیه بازفت (مسکن و انقلاب شماره ۹۸ تابستان ۱۳۸۱)

۱۰- دیگار ژان پیر فنون کوچ نشینان بختیاری ترجمه اصغر کریمی چاپ دوم انتشارات معاونت فرهنگی

استان قدس رضوی مشهد ۱۳۶۹